



# بررسی نظام حقوقی زن در اسلام و ادیان پیش از اسلام و حقوق تطبیقی آن در کشورهای ایران و انگلستان و اروپا

پگاه صمدی اشتجرانی<sup>۱\*</sup>

۱- کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی امیرالمؤمنین واحد کرج.

\* نویسنده مسئول

## چکیده

مطالعه نظام حقوقی زنان در اروپا مستلزم بررسی متون حقوقی گوناگون در منزلت زن و به ویژه اصل برابری او با مرد می باشد، که اسناد جهانی و نیز اسناد منطقه ای اروپا آن را به رسمیت شناخته اند. شورای اروپا، با تصویب اسنادی چون کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقش مهمی در جهت پیشبرد حقوق زن در کشورهای اروپایی داشته است، چرا که کشورهای عضو متعهدند اصل برابری زن و مرد را در قانون اساسی و قوانین داخلی خود بگنجانند. همچنین در کنار مطالعه طولی مزبور، مطالعه عرضی بعضی از کشورهای اروپایی شناخت ما را نسبت به نظام حقوقی زنان و تحولات مثبت آن در سال های اخیر کامل تر می کند. مقایسه نظام مزبور با اسلام به ما نشان می دهد که نه فقط هردو نظام برابری زن و مرد را به رسمیت شناخته اند بلکه در آنچه به حقوق و امتیازات اجتماعی، مدنی، سیاسی و اقتصادی زن مربوط می گردد، حقوق اسلام نشانگر نظامی انعطاف پذیر و پیشرفته است. و در پی تحولات اجتماعی و فمینیستی با شعار تساوی حقوق زن و مرد و رفع تبعیض بین آنها در چند دهه اخیر در کشورهای غربی، قوانینی به تصویب رسید که انتظار می رفت این قوانین بتواند حقوق اقتصادی زنان در خانواده را تأمین نماید. اما تغییر و تحول این قوانین به طور مداوم نشان می دهد که این قوانین هنوز نتوانسته جوابگوی نیازهای واقعی زنان باشد. حال آنکه قوانین فقهی اسلام قرن هاست زنان را در مالکیت و تصرف نسبت به اموال مکتسبه خویش مستقل دانسته و زوج را ملزم به تأمین نیازهای زوجه با رعایت اصول اخلاقی می نماید.

## اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی کامل

دریافت: ۲۰ خرداد ۱۴۰۳

پذیرش: ۱۰ تیر ۱۴۰۳

ارائه در سایت: ۱۲ مرداد ۱۴۰۳

کلید واژگان:

رومی ژرمن

کامن لا

نقشه زوجه

واجب النفقه و حق و تکلیف و ارث و قاعده توارث

## Examining the legal system of women in Islam and pre-Islamic religions and its comparative laws in the countries of Iran, England and Europe

Pegah Samadi Ashtjerani<sup>1\*</sup>

<sup>1</sup>Bachelor's degree in jurisprudence and fundamentals of Islamic law

\* Corresponding Author

### Article Information

Original Research Paper  
Received 10 June 2024  
Accepted 01 July 2024  
Available Online 03 August 2024

### Key words

Roman German  
common law  
spousal support  
Alimony obligation, rights, obligations,  
inheritance, and rules of inheritance

### Abstract

The study of women's legal system in Europe requires the examination of various legal texts regarding the dignity of women and especially the principle of her equality with men, which is recognized by international documents as well as European regional documents. Why has the European Parliament played an important role in advancing women's rights in Europe by approving documents such as the European Convention on Human Rights, whose members are committed to include the principle of men and women in their constitutions and internal laws. A cross-sectional study from before the European system makes our understanding of women's rights and its positive developments more complete. The comparison of the aforementioned system with Islam shows us that only both systems recognize the equality of men and women, and as far as women's social, civil, political and economic rights and privileges are concerned, Islamic law shows that the analysis of acceptance And advanced. Is. And following social and feminist developments with the slogan of equal rights of men and women and elimination of discrimination between them in the last few decades in western countries, laws were passed that were expected to provide economic rights in the family. But the change and development of these laws continuously show that these laws still respond to the real needs of women. For centuries, Islamic jurisprudence has considered women to be independent in owning and occupying their acquired property and obliges the husband to approve the wife's needs by observing moral principles.

## ۱- مقدمه

معادل و ویژگی معنوی و فرامادی آن بوده است. قرآن مهر زن را «صداق» نامیده است، از آن جهت که پرداخت آن نشان صدق ادعای مرد در عشق و علاقه به همسرش است. واژه «نحله» به گفته ُ راغب اصفهانی از «نحل» به

براساس فلسفه ُ اولیه ُ تعیین مهریه، مهر نوعی هدیه، پیشکش، نحله، اعطای بدون عوض و از روی صداقت (صداق) به صورت نقدی با تأکید بر

معصوم) یا سوره‌های قرآن به عنوان تعداد سکه‌های مهریه دختران بریده می‌شود. [۳]

بر اساس تحقیقی در سال ۱۳۸۷ در مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه از بیش از ۱۲۰۰ زن و مرد متأهل بین ۱۸ تا ۴۰ سال در حدود ۱۲ استان ایران نشان داده که میانگین مهریه به اعلام زنان ۳۵۰ سکه طلا و به اعلام مردان ۲۶۰ سکه طلا است. این پژوهش از رشد سریع میانگین مهریه در دهه ۸۰ حکایت داشته به طوری که در عرض ۵ سال از میانگین ۳۰۰ سکه به ۴۵۰ سکه طلا رسیده است. [۴][۵][۶] البته مهریه‌هایی با مبنای ۱۲۴۰۰۰ سکه طلا هم

#### ۲-۱- مهر المسمی

مهر المسمی مهری است که زن و شوهر قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار و میزان آن توافق نموده و آن را در عقد ذکر می‌کنند. تعیین میزان مهر مطابق ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی منوط به تراضی طرفین است و محدودیتی در این خصوص در قانون پیش‌بینی نشده است؛ و طبق ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی، مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آن‌ها بشود، معلوم باشد (ماده ۱۰۷۹ قانون مدنی).

شرایط مهر المسمی:

- دارای ارزش مالی و اقتصادی باشد
- قابل تملک و نقل و انتقال باشد
- مشخص و معلوم باشد
- معین و تصریح شده باشد
- دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد
- شوهر قدرت تسلیم مهریه را داشته باشد

#### ۲-۲- مهر المثل

اگر در زمان انعقاد عقد راجع به مهریه توافق نشده یا اینکه مهریه نوعی تعیین گردیده که مطابق قانون نبوده، ولی عمل زناشویی بین زوجین رخ داده است، در این حالت بر اساس عرف و عادت محل و وضعیت خاص زوج مهریه تعیین می‌گردد که به این نوع مهریه مهر المثل می‌گویند.

هرگاه از بین بردن پرده بکارت دختری بانزدیکی کردن یا به هر وسیله دیگری وبدون رضایت دختر صورت گرفته باشد مرد باید مهر المثل پرداخت کند. [۲۷]

#### ۲-۳- مهر الممتع

در نکاحی که دائم بوده و مهریه ذکر نشده یا شرط عدم مهر شده باشد زوج به زوجه مطلقه خود که با او نزدیکی نکرده است مهریه‌ای پرداخت می‌کند و این مهریه اصطلاحاً مهر الممتع گفته می‌شود.

#### ۲-۴- تفویض مهر

اگر در عقد تعیین مهر به یکی از زوجین یا شخص ثالثی واگذار شود صحیح است و به آن تفویض مهر گویند.

در مهریه عندالاستطاعه در هیچ فرضی امکان جلب شوهر وجود ندارد یا مطالبه مهریه عندالاستطاعه از دادگاه یا اداره اجرای ثبت امکان ممنوع الخروج کردن شوهر هم میسر نیست. فقط با معرفی مال و استطاعت پرداخت شوهر است که زن می‌تواند برای گرفتن مهریه اقدام کند [۳۲] بنابراین می‌توان فرق مهریه عندالمطالبه و عندالاستطاعه را این گونه بیان کرد: در صورتی که مهریه عندالمطالبه باشد هر زمان که زن بخواهد، می‌تواند مهریه خود را مطالبه کند. مهریه عندالمطالبه جز در مواردی خاص باید پرداخت

معنای زنبورعسل است؛ چون زنبورعسل بدون توقعی عسل خود را می‌بخشد، واژه «نحله» دلالت دارد که فلسفه مهریه، تقدیمی، پیش‌کشی، عطیه و هدیه است. [۲۰][۲۱][۲۲][۲۳] بر اساس برخی منابع فقه اسلامی مانند جواهر الکلام، مهری که شوهر به زن می‌پردازد، در حقیقت، عوضی حق بهره بردن از بضع (آلت زناگی) است. [۲۴][۲۵][۲۶] در اسلام حق مهریه متعلق به خود زن است نه والدینش یا هر شخص دیگر. [۲۱]

نّفقه در لغت به معنی هزینه، خرج، اخراجات، خرج هر روزه، خرجی، آمده است. بر اساس ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی همین که ازدواج صورت گرفت رابطه زناشویی بین دو طرف بوجود می‌آید و حقوق و تکالیف همسر و شوهر در مقابل همدیگر برقرار می‌شود. دو شرط زیر برای صورت گیری نفقه ضروری است:

۱- دایمی بودن عقد که قانون مدنی در ماده ۱۱۰۶ تصریح دارد: در عقد دایم نفقه همسر به عهده شوهر است.

۲- تمکین (فرمانبری) کامل زوجه

اهمیت نفقه برای حمایت زن بسیار بالاست و قانونگذار برای ترک عمدی آن و تمکن مالی ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است.

ارث : به انتقال قهری اموال متوفی به بازماندگان وی به ترتیبی که قانون معین کرده است می‌گویند.

ارث شوهر به زن : ارثی که از قیمت عین اموال غیر منقول و خود عین اموال منقول به او می‌رسد.

## ۲- بررسی مهریه در آیین اسلام و ادیان قبل از اسلام

مهریه یا به شکل کهن‌تر آن، کابین به مالی گفته می‌شود که مرد در هنگام وقوع عقد نکاح اسلامی به زن خود می‌پردازد یا مکلف به پرداخت آن می‌شود. مهریه واژه عربی و کابین واژه‌ای فارسی است. [۱]

نوعی از مهریه در آیین یهود هم وجود دارد اما عندالمطالبه نیست بلکه در زمانی که نکاح با طلاق یا فوت شوهر منحل شود به زن پرداخت خواهد شد. [۲]

مهریه به عنوان عامل «بازدارنده» شوهر از تصمیم عجولانه برای طلاق و تأمین مالی زن خانه پس از طلاق (یا پس از فوت شوهر) در یهودیت پذیرفته شده است.

مرد به هنگام اجرای صیغه نکاح، چیزی را به زنش می‌دهد که نشان‌دهنده قصد او برای نکاح باشد و در اصطلاح مهریه یا کابین یا صدق نامیده می‌شود. این هدیه و بخشش که از طرف مرد انجام می‌شود، امروزه به هدف پایبندی به لوازم زندگی مشترک و ارتباط زناشویی یا ضامنی برای حق طلاق زن درآمده است.

در آموزه‌های دینی برای مهریه، مقدار معینی تعیین نشده است. همچنین در نوع مهریه نیز محدودیتی وجود ندارد و هر چیزی که ارزش مالی داشته باشد، می‌تواند مهریه قرار گیرد؛ مانند طلا، نقره، پول‌های رایج، لوازم زندگی، یا حتی آموزش قرآن یا آموزش علم یا مهارتی ویژه چرا که برای آموزش نیز می‌توان ارزش مالی تعیین کرد. در صدر اسلام مهریه از قسمتی از اموال موجود مرد پرداخت می‌شد.

مهریه دختران مسلمان ایرانی بر مبنای شمش یا سکه‌های طلا، سند خانه، پول نقد و سایر اموال منقول و غیرمنقول بنا به درخواست خانواده دختر یا زوجه تعیین می‌شود؛ از سال تولد دختر گرفته تا شمار ائمه (چهارده

رسمیت آن و ورود اسامی به شناسنامه عقد شرعی هم لازم است و در عقد شرعی هم مهریه تعیین می‌شود. در صورتی که یک زوج ایرانی در هر نقطه دنیا قصد طلاق و جدایی داشته باشند، قوانین مهریه همان‌طور که در عقدنامه آن‌ها مشخص شده اجرایی می‌شود و مرد موظف به پرداخت طبق مواردی است که در عقدنامه متعده شده است.

### ۳-۱- تفاوت‌های مهریه در اروپا و ایران

در کشورهایمانند آمریکا، کانادا و بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر هم مهریه وجود دارد. البته قوانین مهریه در اروپا و کشورهای اروپایی به شکل قوانین این حق در اسلام نیست از جمله تفاوت‌های قوانین مهریه در اروپا با ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مهریه در کشورهای اروپایی با این عنوان شناخته نمی‌شود و یکی از شروط ازدواج است
- مهریه یا شرط ازدواج در کشورهای اروپایی برای همه شهروندان یکسان است
- قوانین مربوط به مهریه برای همه افرادی که تابع کشورهای اروپایی دارای مهریه هستند لازم الاجرا است
- راهی برای فرار از قانون مهریه در کشورهای اروپایی وجود ندارد و در همه ازدواج‌های رسمی که به طلاق ختم می‌شوند اجرایی می‌شود.

همان‌طور که گفته شد چیزی به نام مهریه در کشورهای اروپایی وجود ندارد اما قوانین ازدواج و شروط آن‌ها در این کشورها به گونه‌ای است که می‌توان حقوق مشابه با مهریه را در آن‌ها مشاهده کرد. نزدیک‌ترین شرط ازدواج در کشورهای اروپایی که در بیشتر کشورها اجرایی شده و به دلیل قانونی بودن و لازم الاجرا بودن شباهت زیادی به مهریه دارد، حق تصنیف اموال زوجین است. طبق این شرط همه افرادی که در کشورهای اروپایی به طور رسمی ازدواج می‌کنند موظف هستند که بعد از ازدواج به طور رسمی و قانونی در اموال یکدیگر شریک شوند. طبق این قانون زنان می‌توانند در زمان طلاق نیمی از اموالی که همسر آن‌ها در مدت زمان زندگی با آن‌ها خریداری یا جمع‌آوری کرده است را دریافت کنند. این یک قانون کلی است و در بیشتر کشورهای اروپایی اجرا می‌شود.

البته این قانون مشترک هم در کشورهای مختلف با شرایط متفاوتی اجرایی می‌شود. برای مثال در کشور آلمان پروسه طلاق و استفاده از این قانون برای زنان و مردان متفاوت است. طبق قوانین مهریه در این کشور پیش از رسیدن به مرحله دریافت مهریه و جدایی کامل، زوج باید به مدت یک سال جدا از یکدیگر زندگی کنند و هر کدام با شرکت در جلسات مشاوره و بهبود وضعیت روحی، خود را برای بازگشت به زندگی مشترک آماده کنند. در صورتی که بعد از این مدت هم زوج موفق به بازگشت نشده و توافقی میان آن‌ها حاصل نشود، امکان طلاق و استفاده از قانون تصنیف اموال وجود دارد. در کشور آلمان اما علاوه بر این قانون زنان امکان استفاده از حقوق دیگری را هم دارند. برای مثال اگر فرزند مشترکی در ازدواج وجود داشته باشد و زن به دلیل مراقبت از فرزند خود امکان کار و کسب درآمد نداشته باشد، تا به دست آوردن این امکان و کسب درآمد، همسر او موظف به پرداخت هزینه‌های مادر و فرزند می‌باشد.

شود. اما اگر مهریه عندالاستطاعه باشد، زمان پرداخت مهریه، وقتی است که زوج توانایی پرداخت مهریه را داشته باشد، بنابراین پرداخت آن مشروط به توانایی زوج در پرداخت است. در این حالت، زن باید ضمن ارائه دادخواست مطالبه مهریه به دادگاه خانواده، لیست اموال و دارایی‌های مرد را نیز به قاضی پرونده ارائه کند. در بیشتر موارد، اثبات توانایی مالی مرد مشکل می‌باشد و ممکن است که مرد به منظور فرار از پرداخت مهریه، اموال خود را به اشخاص دیگری منتقل کند. در مهریه‌ی عندالاستطاعه امکان جلب مرد وجود ندارد و حتی امکان ممنوع الخروج کردن او نیز فراهم نیست. فقط در صورتی که زوج، مالی را از زوج به دادگاه یا اداره اجرای ثبت معرفی کند، آن مال به منظور گرفتن مهریه توقیف می‌شود.

مهراولسنه مهریه‌ی همسران و فرزندان پیامبر اسلام است که عبارت از پانصد درهم (برابر پنجاه دینار) می‌باشد. هر چند در اسلام مهریه از دید قلت و کثرت اندازه‌های نداشته و به میل و اراده دو طرف بسته است. میزان این مهریه، متفاوت ذکر شده است. کمترین مقدار روایت شده چهارصد درهم نقره‌ی مسکوک و بیشترین مقدار ذکر شده پانصد درهم نقره‌ی مسکوک است. پانصد درهم نقره‌ی مسکوک معادل پنجاه دینار طلای مسکوک در نظر گرفته می‌شده است. با این حساب، چون هر دینار معادل ۴/۶۰۸ گرم (یک مثقال صیرفی) طلای سکه شده با خلوص ۷۵۰ است و دارای ۳/۴۵۶ گرم (یک مثقال شرعی) طلای خالص و حداقل ۰/۶۰۴۸ گرم (ربع درهم) نقره و مقداری مس می‌باشد، بنابراین پنجاه دینار معادل ۱۷۲/۸ گرم طلای خالص، حداقل ۳۰/۲۴ گرم نقره و مقداری مس می‌شود. در زمان پیامبر اسلام ارزش هر ۶.۸۲۵ گرم نقره با یک گرم طلا برابری می‌کرده است، در نتیجه پنجاه دینار معادل ۱۷۷.۲۳ گرم طلای خالص است (حداکثر ۲۵ سکه تمام بهار آزادی). باید توجه داشت که به علت ارزش بالای نقره در صدر اسلام (نسبت به طلا) و ارزش پایین آن در زمان ما (نسبت به طلا)، تمامی محاسبات با انجام تبدیلات به طلا انجام شده است.

### ۳- تطبیق حقوقی مهریه در قوانین اسلام (ایران) و رومی

#### ژرمن (اروپا) و کامن لا (انگلیس)

مهریه در اصطلاح حقوقی، حقی است که برای زنان در زمان ازدواج تعیین می‌شود و مرد موظف به پرداخت آن است. این حق در قانون اسلام مطرح شده و تعیین آن در زمان ازدواج مربوط به کشورهای اسلامی و ازدواج به صورت عقد و نکاح است اما جالب است بدانید که این حق اسلامی در بسیاری از کشورهای دنیا وجود دارد. مهریه در کشورهای اروپایی هم تعیین می‌شود و رسومات مشابهی در مورد آن وجود دارد تنها تفاوت آن با کشورهای اسلامی نداشتن عنوان مهریه و برخی تفاوت‌های جزئی در قوانین تعیین و دریافت آن است

مهریه در کشورهای اروپایی هم قوانینی دارد و وضع این قوانین به مسائلی مانند تابعیت زوج، محل ازدواج و ثبت آن، قوانین قومیتی و دینی و... بستگی دارد. برای مثال یک زوج مسلمان در هر جای دنیا و حتی اروپا قوانین مهریه را طبق قاعده و قانون اسلام وضع می‌کنند، نمونه این موضوع را می‌توان در ازدواج‌هایی که در کشور ترکیه انجام می‌شود مشاهده کرد. ترکیه کشوری آسیایی اروپایی است اما ازدواج‌های آن با عقد رسمی و تعیین مهریه انجام می‌شود.

مورد بعدی که تعیین کننده مهریه در کشورهای اروپایی است، قومیت زوج است. اینکه زوج تبعه کدام کشور باشند موضوع دیگر در مهریه ازدواج آن‌ها است. برای مثال در ازدواج زوج ایرانی در هر جای دنیا به منظور

مدنی ایران، هیچ تعریف مشخصی از مهریه وجود ندارد. تنها در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی به این مسئله اشاره شده است، که با عقد نکاح، زن مالک مهریه می شود. پس از آن نیز می تواند هرگونه دخل و تصرفی در مهریه خود نماید. این مورد از تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیسرا باید حق مسلم زنان ایرانی به شمار آوریم. زیرا پس از عقد نکاح، هر زمان که بخواهد می تواند بدون اجازه مرد در آن تصرف نماید. البته برای دریافت مهریه قانون مدنی، قوانین خاصی تعیین نموده است.

#### ۳-۴- حقوق زنان در ایران

مثلا طبق ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی ایران، در صورتی که مردی بخواهد پیش از نزدیکی زن خود را طلاق دهد، زن تنها می تواند مستحق دریافت نیمی از مهریه خود باشد. اگر مرد بیش از نیمی از مهریه را به زن داده باشد، پس از طلاق می تواند مازاد آن را از ایشان مطالبه کند. اما در خصوص تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس درباره حقوق مالی زن، باید به این مسئله اشاره نماییم که تحول قانون انگلیس پس از قرن ۲۰، منجر شد که این قانون جدید، به وضعیت مالی زنان چندان توجه ویژه ای ننماید.

این قانون بر آن است که میان زن و مرد توافقی در تامین هزینه های زندگی ایجاد کند. با این روش زن و شوهر پس از جدایی، نسبت به هم حقوق مالی کمتری داشتند.

#### ۵- نفقه در دین اسلام و ادیان و حقوق کامن لا

نفقه در لغت، به معنای هزینه و خرجی است و در اصطلاح، عبارت است از مالی که برای ادامه زندگی، صرف مخارج ضروری همسر و فرزندان، خویشاوندان و مانند آنها می شود؛ اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و غیره. در ازدواج دائم، پرداخت نفقه زن بر شوهر واجب است. حق نفقه در اسلام، نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی برای آنها قرار داده نمی شد به سختی می افتادند؛ چون زن در ازدواج دائم، مسئولیتهایی را در طول زندگی مشترک بر عهده دارد که توان جسمی او را می طلبد و فرصتی را از او می گیرد؛ مسئولیتهایی مانند شوهرداری، خانه داری، بارداری، تربیت فرزند؛ از این رو، نفقه، حقی است که اسلام برای زن قرار داده است.

قرآن کریم، آیات متعددی درباره وجوب نفقه زن نازل شده است، مانند: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... [۲] بقره/۲، آیه ۲۳۳.

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند. (ابن) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و برای آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد).

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ... لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ... [۳] طلاق/۶۵، آیه ۶.

آنها را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید... آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستانند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا اتَّفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ... [۴]

مهریه قانونی است که تنها مربوط به کشورهای اسلامی است. در دیگر کشورها این قانون بیشتر به عنوان هدیه ای برای زنان مطرح می شود و تنها زمانی قادر به دریافت آن هستند که در طول زندگی مشترک به پیشرفت همسر خود کمک کرده باشند. این قانون کمک می کند که طلاق تک بعدی نباشد و تنها یکی از طرفین از انجام آن سود یا ضرری نبرد.

مطالبه مهریه زوج های مسلمان که در کشورهای غیراسلامی زندگی می کنند همیشه از موضوعات بحث انگیز و مورد اختلاف بین دادگاهها بوده است.

سال ۲۰۱۷ در پی صدور آرای متعارض دادگاه های سوئدی در مورد مهریه، دیوان عالی سوئد اعلام کرد که تعهد به پرداخت مهریه در سوئد قابل اجرا نیست. این رای زمانی صادر شد که یک زن ایرانی ۶۹۰ سکه مهریه خود را به اجرا گذشته و دادگاه تجدیدنظر به نفع او رای داده بود. دیوان عالی سوئد در این رأی بر مبنای قیاس مهریه با تعهد تقسیم اموال در حقوق کشورهای غربی صادر شده و به این نتیجه رسیده بود که یک قرارداد تقسیم اموال که بدون ارتباط با یک فسخ نکاح قریب الوقوع تنظیم شده باشد بر اساس قوانین زناشویی فاقد اثر است. [۱۵]

#### ۴- حقوق اقتصادی زنان در قوانین اسلامی ایران و انگلیس

آیا می دانید حقوق اقتصادی زنان در ایران چه هستند؟ این حقوق را باید به این صورت دسته بندی نماییم:

- مهریه
- نفقه
- ارث

جنبشی که در آغاز نیمه دوم قرن بیستم در دنیا رخ داد، به دنبال رفع تبعیض ها و احقاق حقوق زنان بود. این جنبش موفق شد در طی دهه های اخیر با شتاب بیشتری پیش رود، و تقریباً به موفقیت های بسیاری دست یابد. یکی مهمترین مسائلی که در این جنبش به آن پرداخته شد، تفاوت حقوق زنان در حوزه اقتصادی و مالی بود.

#### ۱-۴- مهریه در حقوق ایران و انگلیس

مهر یا مهریه در اصل مال معینی می باشد که زوج در زمان عقد نکاح برای زوجه تعیین می کند. یه نوعی به نفع زوجه آن را بر ذمه خود می گیرد. یکی از موارد تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس، مهریه است. زیرا در قانون کشور انگلیس مهریه ای برای زنان تعیین نمی شود.

طبق قانون ایران، مهریه در واقع مالی است که زن بر اثر ازدواج، مالک آن خواهد شد. در قانون ایران از مهریه با نام های دیگری همون صدقه، صداق، نحل، کابین، فریضه، علیقه و ... نیز یاد شده است. یکی از قدیمی ترین قوانینی که برای حقوق زنان در تاریخ اسلام تعیین شده است، مهریه می باشد.

#### ۲-۴- تفاوت قانون ایران و انگلیس

این قانون به قبل از ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح باز میگردد. حتی باید بگوییم مهریه در حقوق عربستان پیش از اسلام، یونان قدیم و ایران باستان نیز وجود داشته است. البته در تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس پیش از اسلام، مهریه اولاً به عنوان بهای زن تعیین می شد، که به خانواده او پرداخت می گردید.

اما پس از اسلام مهریه به عنوان مهر، صداقت، رغبت و میل به ازدواج، نه بهای زن تعیین گردید. که از سوی مرد باید به زن تسلیم می شد. طبق قانون

نساء/۴، آیه ۳۴.

۳. عدم ارتداد: بر پایه این شرط، اگر زن مرتد شود و از اسلام برگردد، استحقاق نفقه ندارد؛ مگر اینکه در ایام عدّه دوباره به اسلام برگردد که در این صورت استحقاق نفقه نیز برمی‌گردد. [۱۴]  
تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.

توضیح این نکته لازم است که پس از ارتداد زن و پایان مدّت عدّه، پیمان زناشویی او باطل می‌شود. [۱۵]  
تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۵۶  
اگر زن در مدّت عدّه، از ارتداد برگردد، پیمان زناشویی او باطل نمی‌شود. [۱۶]  
تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۰.

۴. قابلیت کامجویی: شرط دیگر وجوب نفقه آن است که برای زن و شوهر، امکان استمتاع و التذاذ جنسی از یکدیگر وجود داشته باشد؛ ولی اگر زوج و زوجه به حدی خردسال باشند که این امکان وجود نداشته باشد، ظاهراً نفقه واجب نمی‌شود. [۱۷]  
تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.

#### ۶- موارد اطاعت زن از شوهرش

- ۱.؛
۲. برطرف کردن چیزهای تنفرآوری که با استمتاع و التذاذ ضدّیت دارند؛ تمکین
۳. خارج نشدن از منزل شوهر، بدون اجازه او؛
۴. نظافت و آرایش، در صورتی که شوهر بخواهد؛
۵. مواردی دیگر از این قبیل؛ [۱۸]  
تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۷۲.  
مانند سکونت در منزل.
- اگر شوهر برای همسرش منزل مسکونی موافق شأن او تهیه کرده باشد، بر زن لازم است در آنجا سکونت کند و در صورت تخلف، ناشزه محسوب می‌شود؛ مگر اینکه انتخاب محل سکونت برای زن در ضمن عقد شرط شده باشد [۱۹]
- استفتاءات ج ۳، ص ۲۰۵.
- یا ماندن در آنجا برای زن «حرجی» یا «ضرری» باشد و شوهر نتواند این حرج و ضرر را با تهیه وسایل رفاهی از او برطرف کند. [۲۰]  
استفتاءات ج ۳، ص ۲۰۴
- بنابراین، اگر زن در یکی از موارد یاد شده از فرمان شوهرش سرپیچی کند، ناشزه شمرده می‌شود و استحقاق نفقه نخواهد داشت؛ [۲۱]  
استفتاءات ج ۳، ص ۲۰۰.

البته نشوز زن باید با دلیل شرعی اثبات شود و تا اثبات نشده نمی‌توان او را از نفقه محروم کرد. [۲۲]  
استفتاءات ج ۳، ص ۱۹۹.  
در غیر موارد یاد شده، بر زن واجب نیست از شوهرش اطاعت کند؛ مثلاً اگر شوهرش او را به انجام کارهای خانه یا کارهای شخصی خود فرمان دهد، اطاعت از او بر زن واجب نیست و در صورت سرپیچی، ناشزه شمرده نمی‌شود. [۲۳]

#### ۷- مقدار نفقه

مردان، سرپرست و نگهدارندگان، به دلیل برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به دلیل انفاقی‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند.  
این آیات، نفقه زن و فرزندان را بر عهده شوهر گذاشته و بر او واجب کرده است تا به قدر توان در تأمین زندگی آنان بکوشد.

روایات بسیاری نیز درباره وجوب نفقه زن وارد شده است. حرز می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم آن که نفقه‌اش بر من لازم است و (در صورت نپرداختن) بر آن مجبور می‌شوم، کیست؟ آن حضرت فرمود: *أَلْوَالِدَانِ وَ الْوَلَدُ وَ الرَّوْجَةُ* [۵]

الخصال ج ۱، ص ۲۴۸.

؛ پدر و مادر، فرزند و همسر.

در پاره‌ای از روایات، نفقه، حق زن شمرده شده و شوهر مکلف است مخارج همسرش را بپردازد و خوراک و پوشاک او را تأمین کند

نفقه، چیزی است که زن به طور متعارف برای گذران زندگی خود به آن نیاز دارد. بر این پایه، اموری که شامل نفقه واجب می‌شود و شوهر از نظر شرعی مکلف است برای همسرش فراهم کند، عبارتند از خوراک؛ پوشاک؛ مسکن؛ اثاث خانه؛ خدمتکار در صورتی که به داشتن آن عادت داشته باشد و دیگر امور ضروری و لازم از قبیل تهیه وسایل سرما و گرما، داروهای که به طور متعارف کمتر کسی در طول ماه و سال از آنها بی‌نیاز باشد و مانند آن. [۷]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۵.

تأمین دیگر نیازهای زن، غیر از آنچه ذکر شد، مانند دادن پول برای خرید کتاب، انفاق به فقیران و هدیه دادن، بر شوهر واجب نیست. [۸]

دائمی بودن همسر: نفقه زوجه دائمی بر شوهر واجب است [۹]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.

و در استحقاق زن برای دریافت نفقه، فقر و نیاز او شرط نیست. از این رو، زن بر شوهرش حق نفقه دارد؛ اگر چه از بی‌نیازترین و دارا‌ترین مردم باشد. [۱۰]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۹.

در ازدواج موقت، زن نفقه ندارد؛ [۱۱]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.

مگر اینکه دادن نفقه، شرط شده یا عقد مبنی بر آن جاری شده باشد. [۱۲]

قانون مدنی، ماده ۱۱۱۳

۲. اطاعت از شوهر: نفقه همسر دائمی وقتی بر شوهر واجب می‌شود که زن -در اموری که فرمانبری‌اش واجب است- از شوهرش اطاعت کند. بر این پایه، زن ناشزه، نفقه ندارد. [۱۳]  
تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.

[اورایش]

اگر زن و شوهر بر پرداخت نفقه به صورت پول نقد توافق کنند و زن آن را دریافت کند مالکش می‌شود؛ و واجب شوهر ساقط می‌گردد و هیچ کدام حق ندارند دیگری را به پرداخت نفقه به صورت پول نقد وادار کنند. [۲۷]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۸.

نفقه از نظر شرعی، مقدار معینی ندارد.

## ۸- مهم‌ترین موارد نفقه

[اورایش]

۱. غذا: غذا اساسی‌ترین بخش نفقه را تشکیل می‌دهد که برای ادامه حیات هر فرد ضرورت دارد. معیار در غذا، مقداری است که برای سیر کردن او کافی باشد و در کیفیت و جنس باید به عرف مراجعه کرد. از این رو، آنچه که برای امثال او متعارف است و با مزاج او سازگاری دارد و آنچه که به آن عادت کرده، به گونه‌ای که به ترک آن ضرر می‌بیند باید برایش تهیه شود.

۲. لباس: در مقدار و جنس لباس، باید عادت امثال او و شهری که در آن ساکن است و همچنین به فصلهایی از سال که به لباس نیاز پیدا می‌کند، ملاک قرار گیرد؛ چون در کمیت، کیفیت و جنس لباس نسبت به این مسائل اختلافی فاحش پیدا می‌شود. اگر زن اهل تجمل و زیباپوشی است و به لباسهای زینتی و تجملی نیاز دارد واجب است که علاوه بر دیگر لباسها، به حسب حال امثال او، برایش تهیه شود.

۳. مسکن: حق مسکن از مهم‌ترین ارکان نفقه است و مرد وظیفه دارد به عنوان سرپرست خانواده برای همسر خود منزلی مناسب و در شأن او برگزیند و آرامش خاطر او را فراهم سازد.

بنابراین، زن حق دارد در خانه‌ای که متناسب و معمول امثال اوست سکونت داده شود؛ حتی می‌تواند از شوهرش خانه‌ای مستقل بخواهد که متعلق به خودش شود و یا برایش اجاره کند.

۴. لوازم خانه: لوازم منزل از مهم‌ترین ضروریات زندگی است که کمیت و کیفیت به عرف و عادت موکول می‌شود. بر این پایه، مجموعه وسایلی که برای تأمین حداقل نیازهای معیشتی زن ضرورت دارد باید برایش تهیه شود.

۵. خدمتکار: اگر زن، از خانواده‌های اشراف - که دارای خدمتکار و کلفت هستند - باشد، مرد باید برایش خدمتکار بگیرد؛ گرچه به بیش از یک نفر نیاز داشته باشد.

۶. هزینه‌های درمانی و بهداشتی: هزینه داروهای که زن به طور متعارف به آن نیاز دارد و هزینه نظافت و بهداشت فردی او بر عهده شوهر است. [۲۴]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۳.

۷. هزینه سفر: مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست، ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد باید خرج سفر او را بدهد. [۲۵]

توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.

## ۹- چگونگی پرداخت نفقه

پرداخت هزینه خوراک زن به دو صورت است:

۱. زن مانند سایر اعضای خانواده و طبق معمول با شوهرش در خانه هم خوراک شود.

۲. شوهر، نفقه را به زن بپردازد. [۲۶]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۷.

## ۱۰- صرفه جویی در نفقه

اگر شوهر مخارج چند روز - مثلاً یک هفته یا یک ماه - را به زن بپردازد و این مدت بگذرد و زن آن را برای خود مصرف نکند؛ به این صورت که از جای دیگری غیر از نفقه، مصرف کند، یا کسی مخارج او را بدهد یا زن با صرفه جویی، مقداری از نفقه را پس‌انداز کند، آنچه از نفقه زیاد می‌آید متعلق به زن و ملک اوست و شوهر حق پس‌گرفتن آن را ندارد. [۲۸]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۷.

## ۱۱- احکام نفقه

۱. اگر مرد، نفقه زن را ندهد، چه توانایی داشته باشد یا نداشته باشد، مدیون زن است. [۲۹]

توضیح المسائل مسئله ۱۴۱۲.

۲. اگر زن در مواردی که اطاعت شوهر لازم است، از او اطاعت نکند، گناهکار است و حق غذا، لباس، منزل و همخوانی ندارد، ولی مهر او از بین نمی‌رود. [۳۰]

توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.

۳. اگر زنی که از شوهر اطاعت می‌کند، از او خرجی بخواهد، ولی شوهر به او خرجی ندهد، می‌تواند جهت الزام شوهر بر پرداخت نفقه به حاکم شرع و اگر ممکن نباشد به مؤمنان عادل و اگر آن هم ممکن نباشد به دیگران مراجعه کند. [۳۱]

توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.

۴. اگر الزام شوهر بر دادن نفقه ممکن نباشد، زن می‌تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز، بدون اجازه از مال شوهرش برآورد و اگر چنین کاری ممکن نباشد و زن به ناچار معاش خود را تهیه کند، در موقعی که به تهیه معاش اشتغال دارد، اطاعت شوهر بر او واجب نیست. [۳۲]

توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.

۵. اگر زن به جهت عذر شرعی یا عقلی مانند حیض، احرام، اعتکاف و واجب و بیماری نتواند تمکین کند، یا اگر با اجازه شوهر به سفر واجب یا مستحب برود نفقه‌اش از بین نمی‌رود. [۳۳]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.

۶. اگر زن بدون اجازه شوهر به مسافرت مستحب یا مباح برود، یا بدون اجازه او از خانه بیرون رود، نفقه‌اش از بین نمی‌رود. [۳۴]

تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.

○ یکی از حقوق زوجه بر عهده زوج تأمین نفقه اوست که در اسلام بر عهده مرد گذاشته شده است. در این مقاله بررسی نفقه زن در حقوق ایران و میزان مطابقت آن با فقه امامی و نیز مقایسه سیستم دریافت نفقه در ایران با سیستم معاش زن در دو کشور انگلیس و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که قانون باید پاسخگوی تحولات جدید زندگی انسان و اختلافات ناشی از این تحول در خانواده‌ها باشد، بررسی قوانین حقوقی کشورهای مختلف می‌تواند قانونگذار را در رفع نواقص احتمالی قوانین موجود و اجرای عدالت در جامعه یاری دهد. این بررسی از آن رو حایز اهمیت است که رویکرد نظام حقوقی کامن‌لا را درباره این موضوع روشن می‌کند.

## ۱۲- نفقه در حقوق ایران و انگلیس

یکدیگر موارد تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس نفقه است. آنگونه که تحقیقات نشان داده اند، در قانون انگلیس نیز نفقه وجود دارد از آنجایی که سرپرستی خانواده برعهده مرد است، و آرامش خانواده و تربیت فرزندان بر عهده زن، مرد مکلف به پرداخت نفقه خواهد بود. در صورتی که تمامی خرج و مخارج زن توسط شوهر تامین شود، می تواند زمان بیشتری را برای تربیت فرزندان و ایجاد کردن آرامش در خانه اختصاص دهد.

## ۱۲-۱- حقوق زنان در انگلیس

در قوانین ایران، برخی نفقه را تنها تامین مخارج ضروری همسر و فرزندان می دانند. از جمله خرید پوشاک، خوراک، مسکن و ... در حالی که برخی دیگر بر این عقیده هستند که ملاک اصلی تعیین نفقه باید عرف و عادت باشد. البته تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس در مورد نفقه ممکن است به گونه دیگری باشد. که لازم است به آن بپردازیم.

اما بر طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی ایران، نفقه جزو تعهدات زوج پس از عقد نکاح به شمار می رود. علاوه بر آن نیز در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی به صراحت قید شده است که نفقه بر عهده شوهر می باشد.

## ۱۲-۲- حقوق انگلیس در خصوص نفقه

اگر بخواهیم در خصوص نفقه تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس را بررسی کنیم، باید بگوییم نفقه در این جامعه ریشه در مذهب مسیحیت داشته، و به عنوان نیاز مادی و اقتصادی زن شناخته می شود. طبق تعالیم دین مسیحیت، شوهر به عنوان رئیس خانواده شناخته می شود.

تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس در این خصوص چندان مشهود نیست. حتی می توانیم بگوییم که تقریباً قوانین مربوط به نفقه در این دو کشور مشابه هم می باشد. البته این قوانین مربوط به قرن ۱۹ می باشد. اما در قرن ۲۰ تحولات بسیاری در قانون کشور انگلیس رخ داد.

## ۱۲-۳- حقوق زنان در انگلیس و ایران

به گونه ای که در قانون خانواده جدید انگلیس، هیچ سخنی از تامین نفقه توسط مرد به میان نیامده است. اما در صورتی که مرد اقدام به عدم پرداخت نفقه نماید، زن می تواند به دادگاه مراجعه نموده و تقاضای نفقه از ایشان نماید. اما در صورتی که زن عذر موجهی برای عدم اشتغال خود نداشته باشد، دادگاه وابستگی مالی ایشان به مرد را اجازه نخواهد داد.

در قانون جدید انگلیس اصطلاحات بسیاری در خصوص نفقه مطرح شد. از جمله " نفقه مستمر "، " نفقه جریان دادرسی "، " نفقه کلی " و " ودیعه نفقه " .

## ۱۳- نفقه در اروپا

بطور کلی ۴ نوع حمایت مالی در دوران ازدواج و بعد از طلاق در قانون خانواده آلمان در نظر گرفته شده است:

(الف) حمایت از همسر در طول ازدواج (Familienunterhalt)

طبق ماده ۱۳۶۰ قانون مدنی آلمان (Bürgerliches Gesetzbuch)، زوج و زوجه از نظر قانونی موظف به تامین نیازهای مالی یکدیگر در دوران ازدواج میباشند.

تصویب این ماده قانون بدان معنی است که زوجین، هر کدام بر اساس توان خود برای کار کردن در منزل یا خارج از خانه، موظف به تامین نیازهای خانواده می باشند. بطور کلی این تعهد قانونی تا زمان اقدام برای طلاق ادامه دارد. در قوانین آلمان پیش از صدور حکم نهایی طلاق، بازه زمانی یک ساله

پیش از طلاق در نظر گرفته می شود. وظیفه قانونی و حتمی (بدون نیاز به ثبت درخواست طوج یا زوجه) در خصوص حمایت مالی در این دوران یکساله وجود ندارد. بنابراین، اگر زوج یا زوجه نیاز به تامین هزینه های مالی داشته باشد، میبایست درخواست خود را اعلام نمایند.

هر کدام از زوجین متعهد به حمایت مالی از طریق پرداخت کمک هزینه خانوار (Haushaltsgeld)، خرجی یا نفقه همسر (Taschengeld) و در شرایط ویژه هزینه های تحصیل و تامین نیازهای ویژه همسر می باشند.

طلاق به دلیل ازدواج مجدد

در ذیل انواع مختلف حمایت های مالی در دوران ازدواج و زندگی زناشویی طبق حقوق خانواده آلمان مشروح می گردد:

## • کمک هزینه خانوار

زوج یا زوجه در صورتی که مشغول به کار نباشد، موظف به انجام امور منزل می باشد. در مقابل طرف دیگر که شاغل می باشد، متعهد به پرداخت هزینه های مربوط به امور منزل از جمله: مسکن، خوراک، پوشاک، مراقبت های بهداشتی و پزشکی، پرداخت حق بیمه است.

فرمول خاصی در خصوص محاسبه مبلغ پرداختی به عنوان کمک هزینه خانوار وجود ندارد. لذا بر اساس شرایط هر خانواده این میزان تعیین می گردد.

## • نفقه همسر

هر کدام از زوجین که شاغل بوده و درآمدی دارند، موظف به پرداخت مبلغی به همسر خود با عنوان «نفقه همسر» هستند. کمک هزینه خانوار برای رتق و فتق امور منزل در نظر گرفته می شود. این در حالی است که نفقه همسر صرفاً برای خود همسر و برای انجام امور شخصی در نظر گرفته می شود.

• طبق رویه دادگاه های آلمان در دعاوی مربوط به پرداخت نفقه همسر، حدود ۵ تا ۷ درصد درآمد زوج یا زوجه میبایست به دیگری که شاغل نمی باشد، تعلق گیرد. در صورتی که درآمد زوج یا زوجه به نحوی باشد که تمامی درآمد صرف هزینه های خانه گردد، در این صورت طرف دیگر محق به دریافت نفقه نمی باشد.

## • کمک هزینه تحصیلی

در صورتی که زوج یا زوجه، پیش از ازدواج محصل بوده باشد، هر کدام از زوجین که شاغل بوده و درآمد کسب می کند، موظف به پرداخت هزینه های تحصیل دیگری می باشد.

## • پرداخت هزینه های مربوط به نیازهای ویژه

در صورتی که یکی از زوجین نیازهای ویژه ای از جمله؛ پرداخت هزینه های درمانی داشته باشد، طرف دیگر که شاغل بوده و درآمد کسب می نماید، موظف به پرداخت این هزینه ها می باشد. این نکته را باید در نظر داشت که هزینه هایی از این دست نباید از مبالغ پرداختی تحت عنوان کمک هزینه خانوار یا نفقه کسر گردد.

در صورتی که هر یک زوجین که موظف به ادای این حمایت های مالی هستند، از این کار امتناع ورزد، طرف دیگر میتواند دادخواست خود را به دادگاه تقدیم نماید.

(ب) حمایت های مالی در یک سال جدایی پیش از طلاق (Trennungunterhalt)

نظام سوسیالیستی اجرا شد که قانون ارث را علی رغم مبانی فکری خویش تصویب کردند. [۱]

در ماده ۱۰ قانون شوروی مصوب ۱۹۴۳

۱.۲ - انتقال ارث به پادشاه یا دولت در درون فراعنه و یونان در دوران حاکمیت فراعنه مصر، ثروت حاصل از کار افراد، ملک پادشاه بود و پس از مرگ هر انسان، تمام ثروت او در اختیار پادشاه قرار می‌گرفت. تا آن که پادشاه «باکوریوس» در قرن ۸ ق.م آن قانون را تغییر داد و قانون انتقال ارث به اکبر اولاد ذکور را تصویب کرد.

چنان که در یونان قدیم، اموال و ثروت انسان‌ها ملک عموم جامعه بود و هر انسان نماینده جامعه در اداره آنها تلقی می‌شد، و لذا ارث او هم پس از مرگ در اختیار جامعه قرار می‌گرفت و پسر ارشد نمایندگی جامعه را در اداره میراث متعهد می‌شد.

۱.۳ - انتقال میراث به اکبر اولاد ذکور در مصر قدیم و یونان چنان که یادآوری شد، مصریان و یونانیان در دوره دوم ارتقای فرهنگی خویش به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان دل‌بستگی شدید هر انسان را به اموال و دست‌رنج خویش و فرزندان خود نادیده گرفت. بی‌توجهی حکومت به این واقعیت انگیزه کار و تلاش را نابود ساخته و بذخ خصومت و عناد را در قلوب مردم می‌کارد. لذا قانون انتقال میراث را به بزرگ‌ترین پسر میت تصویب و اجرا کردند.

۱.۴ - تقسیم ارث بین خاندان پدری در امپراطوری روم امپراطوری روم بر اساس عقیده پدرسالاری شدید، میراث میت را ویژه فرزندان پدری دانسته و فرزندان مادری را محروم می‌کردند تا ثروت از درت گروه اول خارج نشود؛ مثلاً وقتی مادری فوت می‌کرد و اموالی را از پدرش ارث برده بود، آن ثروت به فرزندان خودش به ارث نمی‌رسید، بلکه برادران و خواهران او وارث می‌شدند.

۱.۵ - تقسیم ارث به صورت مساوی بین همه ورثه امپراطوری روم پس از مدتی به این نتیجه رسید که باید ثروت میت را بین همه ورثه تقسیم کند، لذا میراث را بین بازماندگان به صورت مساوی بین دختر و پسر تقسیم می‌کرد.

۱.۶ - محرومیت زنان از ارث با وجود مردان در شریعت یهود یهودیان بر اساس مردگرایی قانونی تصویب کردند که تا وقتی مردی از ورثه وجود دارد، زنان اعم از همسر و دختر و عمه و خاله اصلاً ارث نمی‌بردند و میراث باید بین ورثه ذکور تقسیم شود. در تورات نوشته شده: «و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته شد، ملک او را به دخترش منتقل کنید». [۲]

۶ - محرومیت زنان از ارث با وجود مردان در شریعت یهود یهودیان بر اساس مردگرایی قانونی تصویب کردند که تا وقتی مردی از ورثه وجود دارد، زنان اعم از همسر و دختر و عمه و خاله اصلاً ارث نمی‌بردند و میراث باید بین ورثه ذکور تقسیم شود. در تورات نوشته شده: «و بنی اسرائیل را خطاب کرده بگو: اگر کسی بمیرد و پسری نداشته شد، ملک او را به دخترش منتقل کنید». [۲]

تورات، سفر اعداد، باب ۲۷، آیه ۸

طبق قوانین طلاق آلمان، در صورتی که زوجین حداقل یکسال جدا و دور از یکدیگر زندگی نمایند (اصطلاحاً بدان «Trennungsjahr» یا «سال جدایی» می‌گویند)، میتوانند درخواست طلاق نمایند. در این دوران، زوجین طبق قانون موظف به ادای حمایت‌های مالی طبق شرایطی که در بالا توضیح داده شد، هستند؛ اما پرداخت این حمایت‌های مالی خود به خود نبوده و منوط به درخواست هر یک از زوجین می‌باشد.

در صورتی که هر دو زوجین مشغول به کار بوده و کسب درآمد نمایند، زوج یا زوجة که درآمد کمتری نسبت به دیگری داشته باشد، در قبال ما به تفاوت درآمد میتواند مدعی ادای حمایت مالی باشد. برای مثال: اگر زوج درآمد ماهیانه ۲.۳۰۰ یورو و زوجة درآمد ماهیانه ۲.۱۰۰ یورو داشته باشد، مبلغ معادل ۳.۷ درصد از ما به تفاوت یعنی معادل ۸۵.۷۱ یورو (از ۲۰۰ یورو) به زوجة پرداخت می‌گردد.

حفاظت‌های مالی بعد از طلاق (Nachehelicher (Ehegattenunterhalt

بعد از طلاق بر اساس شرایطی خاصی ممکن است همچنان زوجین موظف به ادای حمایت‌های مالی گردند. طبق قانون هیچ یک از طرفین بطور خودکار موظف به پرداخت هزینه‌های مالی طرف دیگر نمی‌باشند. اما در صورتی که هر یک از زوجین نیاز مالی داشته باشد، میتواند درخواست خود را در دادگاه طرح نماید. اگر چه رویه دادگاه‌های آلمان در سال‌های اخیر، مبنی بر تاکید لزوم تامین هزینه‌های زندگی بعد از طلاق از سوی خود زوجین می‌باشد، در صورتی که بطور قطع وابستگی مالی زوج یا زوجة به دیگری به اثبات رسد، طرف دیگر موظف به پرداخت هزینه‌های زندگی بعد از طلاق نیز خواهد بود.

د) جبران خسارت برای افزایش ارزش اموال عمومی

در صورتی که ارزش دارایی‌های زوج یا زوجة در طول دوران ازدواج افزایش یابد، طرف دیگر میتواند درخواست خود را برای دریافت نیمی از ارزش افزایش یافته دارایی‌ها را طرح نماید. این در صورتی است که دارایی‌ها پیش از ازدواج کسب شده باشد و در طول دوران ازدواج بر ارزش آن و منافع حاصل از آن افزوده شده باشد. بنابراین منظور از اموال عمومی، اموال و دارایی‌هایی می‌باشد که پیش از ازدواج کسب شده باشد.

## ۱۴ - قوانین ارث در اسلام و سایر ادیان و انگلیس و اروپا

- ارث در ادیان و مکاتب دنیا

[ویرایش]

هر انسانی ممکن است از حاصل کار و دست‌رنج خویش در طول زندگی‌اش ثروتی را - کم یا زیاد - فراهم کرده باشد. بالطبع هر حکومت یا دین و مکتبی باید برای تعیین تکلیف آن ثروت پس از مرگ آن انسان برنامه‌ای داشته باشد. تاریخ تمدن بشر نماینگر برنامه‌ها و نظام‌های متنوع ارث می‌باشد:

۱.۱ - کمونیسم و نفی مطلق مالکیت وارث

مکتب کمونیسم که بر اساس اشتراکی بودن و تعلق همه ثروت‌ها به عموم ملت و لغو مالکیت فردی بنا شده است، بالطبع انسان کارگر را در زمان حیات خویش مالک دست‌رنج خودش نمی‌داند تا فکری برای تعیین وارث و مالک بعدی شود، بلکه تمام ثروت حاصله از کار و تلاش او ملک دولت است.

البته چون این اصل «لغو مالکیت فردی» مخالف فطرت انسان‌ها بود، هیچ‌گاه در کشورهای کمونیستی جامه عمل به خود نپوشید و به جای آن



دنیای قبل از اسلام، برای زن حقوق ارثی مستقل و مسلمی قائل نبودند، یا اصلاً به او ارث نمی‌دادند یا اگر می‌دادند به صورت سهم قطعی و مفروض نبود؛ بلکه احتمال داشت که به عنوان وصیت، مالی را برای زن بگذارند. به دیگر عبارت، محرومیت زن از ارث، سنت رایج و حاکم بر ادیان قبل از اسلام بود. [۲] مطابق با قوانین اسلامی، ارث بین فرزندان پسر و دختر به صورت ۲ سهم برای پسر و یک سهم برای دختر تقسیم می‌شود. چنانچه پدر و مادر وارث باشند سهم آن‌ها نیز به صورت ۲ به ۱ خواهد بود. در صورت مرگ پدر و وجود فرزندان و مادر، ارث مادر ۱ قسمت از ۸ قسمت کل دارایی‌ها خواهد بود.

#### ۱۵- قوانین دین مسیحیت

انجیل شریعت و قانون و فقه مستقل و مشخصی را ارائه نکرده و لذا پاپ‌های کلیسا مسیحیان را به شریعت یهود ارجاع دادند [۹]

#### ۱۶- قوانین دین زرتشت

در اوستا، اشاره ای به ارث زنان نشده است. اما در فقه امروزی زرتشتیان، زن، مستحق یک ششم میراث شوهر، و دختر، مستحق نصف سهم پسر از ارث شناخته شده است. [۱۰] طبق آیین زرتشت هرگاه ورثه عبارت باشند از زوجه و دو دختر و یک پسر، زوجه سهم معینه خود را از ماترک برداشته و بقیه را نصف جهت ازدواج دو دختران و نصف دیگر بهره پسر خواهد بود اگر مردی با بیوه ای که دارای فرزند است ازدواج کند و از آن زن صاحب اولاد گردد در صورت فوت مرد، نافرزدان او از ماترک ارث نمی‌برند ولی زن یک سهم و پسران خودش دو سهم و دختران او یک سهم از ماترک او ارث خواهند برد. [۱۱] البته در آیین زرتشتی و در دوره ساسانیان دختری که شوهر دارد واجد این شرایط نیست از ارث محروم است [۱۲]

ملاحظه می‌شود که سرنوشت ارث‌بری زن در طول تاریخ همیشه دچار افت و خیزها و افراط و تفریط‌ها بوده و هیچ‌گاه ضوابط حکیمانه برای این موضوع در بین حکومت‌ها و آیین‌ها تدوین نشد.

دین مبین اسلام قوانین ارث را بر مبنای پایه‌های ارزشی بنیاد نهاده است مانند:

#### ۲.۱- انطباق قانون ارث با علاقه فطری به مال و فرزند و بستگان

خدایی که آفریننده گرایش‌های ذاتی و فطری انسان‌ها است و قتی قانون را برای زندگی انسان تشریح می‌کند، بالطبع منطبق‌ترین قانون با گرایش‌های فطری اوست، و این گونه دین و قانون می‌تواند قوام و ثبات داشته باشد: «فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم».

[۱۱]

روم (۳۰) آیه ۳۰

خداوند حکیم محبت به مال و ثروت و دسترنج و امکانات مادی و اقتصادی برای تأمین نیازمندی‌های زندگی بشر را در قلب انسان قرار داده تا به این انگیزه دست از عاقبت طلبی و تنبلی و بیکاری شسته و به کار و تلاش و کشت محصولات زراعی و تولید دام و اختراع صنایع و ابزار رفاه و پوشاک و مسکن خویش بپردازد و امکانات بالقوه‌ای را که خداوند در دل زمین و آب و هوا قرار داده استخراج گشته و در خدمت بشر قرار داده شود تا بتواند حرکت تکاملی و ارتقای علمی و معنوی و اخلاقی را آغاز کرده و توان‌مندانه مراحل تکامل و تقرب را طی کند:

۱.۷- سکوت دین مسیحیت از اظهار نظر درباره قانون ارث  
آیین مسیحیت چون بر اساس معنویت و اخلاق و آخرت‌گرایی بنا شده است، انجیل شریعت و قانون و فقه مستقل و مشخصی را ارائه نکرده و لذا ارباب کلیسا مسیحیان را به شریعت یهود ارجاع دادند. [۳]

دکتر یاسین احمد ابراهیم درادکه، المیراث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹ تا ۴۰ و دکتر حسین مهرپور، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلامی، ص ۱۵ تا ۲۲

#### ۱.۸- زورسالاری در قانون جاهلیت عرب

در عربستان جاهلی قوانین متفاوتی در قبائل اجرا می‌شده است؛ یکی از آن قوانین آن بود که مقتدرترین و یا جنگجوترین افراد بازمانده وارث ورثه میت می‌شدند، لذا معمولاً زنان و کودکان در آن محیط‌ها از ارث محروم بودند.

#### ۱.۸.۱- داستان اوس بن ثابت

چنان که تاریخ نقل کرده است:

روزی قبل از نزول آیه میراث، مردی از انصار به نام «اوس بن ثابت» از قبیله «بنی‌خطمه» فوت کرد و دو دختر و یک پسر، و طبق نقلی چهار دختر از او باقی ماند. «پسر عموهای» وی آن میراث را تصرف کرده و بین خویش تقسیم کردند. همسر اوس خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و شکایت کرد که این دختران گرسنه بدون ارث نزد من مانده‌اند، در حالی که پسر عموهایش ارث را برده‌اند.

حضرت فرمود: «به خانه‌ات برگرد تا منتظر دستور وحی الهی باشم. سپس این آیه شریفه میراث نازل شد:

«لِّلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ» [۴]

نساء (۴) آیه ۷

و سپس آیه شریفه: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ» [۵]

نساء (۴) آیه ۱۱

نازل شد. [۶]

جلال‌الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲، ص ۱۲۲

[۷]

دکتر یاسین احمد ابراهیم درادکه، المیراث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۳۸ هم‌چنین نقل شده که همسر «سعد بن ربیع» با دو دختر یتیمش خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد:

پدر این دو دختر در جنگ احد در رکاب شما شهید شده و اکنون عمو آنها میراث را تصرف کرده است و می‌دانید که این دو دختر بدون مال قادر به ازدواج نخواهند بود. سپس آیه شریفه میراث نازل شد و حضرت دستور لازم را صادر کرد. [۸]

ابن قدامه حنبلی، المغنی، ج ۶، ص ۲۲۴

[۹]

جعفر سبحانی، نظام الارث فی الشریعه الاسلامیه الغراء، ص ۸ استدلال عرب جاهلی آن بود که: چگونه کسی میراث را به ارث برد که نه بر اسبی سوار شده و نه شمشیری زده و نه با دشمنی جنگیده است؟ [۱۰] محمدعلی صابونی، الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹

با نگاه جزئی نگرانه در خصوص تقسیم ارث بین زن و مرد، زن سهم کمتری از مرد می‌برد، اما این نگاه «أحول» است و در یک نگاه جامع به قوانین اقتصادی اسلام به مرد دو زن ممکن است احساس شود که شاید در مجموع محبت بیشتری به زن شده است، زیرا مرد در برابر همین یک امتیاز ارثی همه مسئولیت‌های اقتصادی به شانه‌اش نهاده شده است. او باید اولاً نیازمندی‌های شخص خود و نفقه همسرش را تأمین کند و نیز هزینه‌های فرزندان و حتی والدین ناتوانش به عهده او می‌باشد، علاوه بر همه اینها مهریه‌ای هم به همسرش هدیه کند - در حالی که هر دو در بهره‌وری جنسی از یکدیگر شریک‌اند.

قطعاً آن مقدار میراث افزوده اصلاً برای این همه هزینه‌ها کافی نبوده و باید معمولاً مرد چند برابر آن سهم الارث اضافه کار کند، در حالی که زن نه تنها هیچ وظیفه‌ای در تأمین نیازهای دیگران (شوهر، فرزندان، والدین، مهریه) به عهده‌اش نیست، بلکه حتی مخارج شخص خودش را هم به عهده ندارد، در واقع همان سهم الارث (یک دوم) هم که به او می‌رسد کاملاً اضافه بر نیازهای رایج زندگی اوست و برای تأمین نیازهای فوق‌العاده زن به او داده می‌شود و حال آن که سهم الارث مرد کمتر از نیازها و وظایف اقتصادی اوست.

مدعیان تساوی مرد و زن در ارث و همه حقوق دیگر از این نکته غافل‌اند که اگر سهم الارث زن با اندکی افزایش مساوی مرد گردد و متقابلاً زن موظف شود که وظایف اقتصادی هم‌چون مرد داشته باشد، در این صورت نه تنها تمام هزینه زندگی خودش را باید با همین افزایش اندک تأمین نماید، بلکه از زندگی راحت به صحنه پرهزینه و پر دردسر منتقل خواهد شد. [۱۶]

محمدعلی صابونی، الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹

#### ۱- ارث زن، به عنوان همسر

همسر در تمام طبقات با همه ورثه شریک می‌شود؛ اگر متوفی (شوهر) فرزند نداشته باشد، همسرش یک چهارم و اگر فرزند داشته باشد، یک هشتم ارث می‌برد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ لَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ» (۴۵) یعنی: و اگر فرزندی نداشته باشید، پس از انجام وصیت و پرداخت دیون (بدهکاریها)، یک چهارم میراثتان از آن زنانان است و اگر دارای فرزند بودید (اگر چه این فرزند از همسر دیگر باشد)، یک هشتم ترکه متعلق به آنهاست.

شایان توجه است که اگر متوفی (شوهر) چند همسر داشته باشد، یک چهارم یا یک هشتم ترکه که به همسران می‌رسد، به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود. مستند این حکم، روایت است:

«ولاتزاد المرأة علی الربع و لا تنقص من الثمن و ان کنّ اربع او دون ذلك فهنّ فیہ سواء.» (۴۶)

یعنی: همسر هیچ‌گاه سهمش بیش از ربع (یک چهارم) و کمتر از ثمن (یک هشتم) نمی‌شود؛ چهار نفر باشند یا کمتر، همه آنها در همان یک چهارم یا یک هشتم، به طور مساوی شریکند.

در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران که بر احکام اسلام و فقه پویای امامیه مبتنی است، زن همپای مرد، هم از حیث «نسب» و هم از جهت «سبب» ارث می‌برد. در ماده ۸۹۱ این قانون آمده است:

«زن به عنوان همسر، به سبب، ارث می‌برد؛ نه حاجب وارثان نسبی میشود و نه هیچ وارثی می‌تواند مانع از ارث بردن او گردد.»

«زین للنّاس حبّ الشهوات من النساء والبنین والقانطیر المقنطرة من الذّهب والفضة والخیل المسومة والانعام والحرث ذلك متاع الحیة الدنیا والله عنده حسن المآب.» [۱۲]

آل عمران (۳) آیه ۱۴

خداوند همین محبت‌ها را به عنوان متاع و کالایی برای امکان زندگی در این دنیا معرفی کرده است که البته باید به گونه‌ای بهره‌برداری شود که مآب و مرجع و نتیجه آن، تکامل معنوی و تقرب الی الله و خشنودی خدا باشد. دین اسلام بر همین اساس نه تنها مالکیت شخصی را تشریح فرمود، بلکه به میل فطری انسان‌ها نسبت به حفاظت دست‌رنج‌هایشان پس از مرگ و رفاه فرزندان و بستگانشان پاسخ مثبت داده و قانون ارث به بستگان بازمانده را تشریح فرمود.

#### ۲.۲ - توزیع ثروت و عدم تمرکز

اموال و ثروت از نظر اسلام امکاناتی است که باید تک تک افراد بشری آن را ابزار رفاه و تکامل خویش قرار دهند، لذا با تمرکز ثروت و انباشتن در اختیار افراد معدود مخالفت کرده و طرح‌ها و قوانینی را برای توزیع ثروت و عدم تداول و رواج و انحصار آن چند ثروت‌مند تشریح فرموده است؛ مانند دستور توزیع فیء و غنائم جنگی بین طبقات مختلف مردم:

«ما آفأ الله علی رسوله من أهل القرى فله وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین واین السبیل کی لا یكون دولةً بین الأغنیاء منکم...» [۱۳]

حشر (۵۹) آیه ۷

راجع به مسئله ارث اموال میت هم به جای انتقال آن به یک نفر (اکبر اولاد ذکور) یا یک گروه (مردان)، قانون تقسیم آن را بین بستگان میت طبق اولویت طبقات نزدیک‌تر به میت تشریح فرمود:

«وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتاب الله.» [۱۴]

احزاب (۳۳) آیه ۶

#### ۲.۳ - عدالت در توزیع بر اساس احتیاج

در نظام میراث اسلامی که نظامی کامل و منسجم و دقیق و پیچیده است، معیارهای متعددی لحاظ شده که یکی از مهم‌ترین آنها «میزان نیاز» است، شاید به همین جهت است که (یک سوم) میراث بین والدین میت تقسیم شهد و (دو سوم) بین فرزندان تقسیم می‌گردد و حال این که هر دو گروه در طبقه اول ارتباط‌اند.

از آن جایی که در نظام کامل آیین اسلام مسئولیت سنگین تأمین نیازهای اقتصادی خانواده به عهده مرد نهاده شده، تا بتواند مرد از توانایی بیشتر بدنی‌اش درآمد بیشتر کسب نموده و زن از این فراغت جهت تربیت فرزندان و اداره شئون داخلی منزل بهره‌گیرد، [۱۵]

حسین نوری همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، ص ۳۵۰

بالطبع در قانون ارث هم سهم مرد دو برابر سهم زن قرار داده شده است، یعنی پسر میت دو برابر دختر و نیز شوهر دو برابر زن از همسرش ارث می‌برد.

#### ۲.۴ - اسلام و عادلانه‌ترین نظام میراث برای زنان

۶- اگر متوفی، مادر و پدر و برادرانی داشته باشد که حاجب بیش از یک ششم شوند، در این صورت مادر یک ششم ترکه را می‌برد و همچنین اگر پسر یا پسرنی با مادر باشند، مادر یک ششم می‌برد.

۷- اگر متوفی، مادر و دو دختر داشته باشد، مادر یک پنجم ترکه را می‌برد.

۸- هرگاه متوفی، مادر و دختر داشته باشد، مادر کمتر از یک پنجم و بیشتر از یک ششم می‌برد.

قرآن کریم در باره ارث مادر می‌فرماید:

«وَلِلَّائِيَّاتِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَ وَّرَثَهُ أَوْبَاهُ فَلِلأُمَّةِ الثَّلَاثِ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِلأُمَّةِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ» (۵۰)

یعنی: و اگر متوفی فرزندی داشته باشد، هر یک از پدر و مادر، یک ششم میراث می‌برند و اگر فرزندی نداشته باشد و میراث‌بران، تنها پدر و مادر باشند، مادر یک سوم دارایی را می‌برد. اما اگر برادرانی داشته باشد، سهم مادر پس از انجام وصیت متوفی و پرداخت دیونش، یک ششم است.

قانون مدنی ایران در ماده ۹۰۶ و ۹۰۸، درباره ارث زن، به عنوان مادر مقرر می‌دارد:

«هر گاه برای متوفی، وارث دیگری جز پدر یا مادر نباشد، تمام ارث از آن اوست و اگر متوفی فرزند داشته باشد، پدر و مادر یک ششم ترکه را به ارث می‌برند و اگر برای مادر حاجبی نباشد و پدر و مادر با هم باشند، یک سوم اموال را مادر به ارث می‌برد.»

بنابراین، سهم الارث مادر، نه تنها کمتر از پدر نیست؛ بلکه گاهی، از سهم پدر هم بیشتر است؛ (۵۱) چنان که صاحب تفسیر گران سنگ المیزان در این باره (زیادتی ارث مادر) می‌فرماید:

از آن جهت که مادر از جهت خویشاوندی به فرزند نزدیکتر است و تماس و برخوردش با فرزند، بیشتر از تماس و برخورد پدر است، اضافه بر آن که مادر در وضع حمل و حضانت و پرورش فرزند، رنج بیشتری تحمل می‌کند، شارع مقدس خواسته است جانب مادر را غلبه دهد و او را شایسته احترام بیشتری نسبت به پدر معرفی کند. (۵۲)

۴- ارث زن، به عنوان خواهر

درباره ارث خواهر، در قرآن کریم دو آیه نازل شده است:

در آیه دوازدهم سوره نساء می‌خوانیم:

«وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَ لَهَا أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثَّلَاثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ»

یعنی: اگر مردی از دنیا برود، کلاله (۵۳) (خواهر یا برادر) از او ارث می‌برند. یا زنی از دنیا برود و برادر و خواهری داشته باشد، هر یک از آنها یک ششم ترکه را به ارث می‌برند.

این حکم در صورتی است که از متوفی یک برادر یا یک خواهر باقی بماند؛ اما اگر بیش از یکی باشند، مجموعاً یک سوم مال را به ارث می‌برند (یک سوم مال را در میان خود تقسیم می‌کنند).

## ۱۷- ارث در اروپا

مورد بعدی که تعیین کننده مهریه در کشورهای اروپایی است، قومیت زوج است. اینکه زوج تبعه کدام کشور باشند موضوع دیگر در مهریه ازدواج به دلیل همین تفاوت‌ها، قوانینی در اتحادیه اروپا وضع شده تا نحوه تصمیم‌گیری نهایی و قطعی در مورد سرنوشت ارث و میراث افرادی که در کشوری به غیر از جایی که اموالی و خانواده‌ای دارند، فوت می‌شوند، روشن

همچنین در مبحث میراث زوج و زوجه بیان می‌دارد که به مجرد انعقاد پیمان زناشویی، زن دارای حق ارث در اموال شوهر، به میزان معین، می‌شود و هرگاه این پیمان گسسته شود، در طلاق رجعی تا پایان زمان عدّه حق ارث ثابت است و اگر طلاق، در زمان بیماری‌ای که به مرگ انجامید واقع شود، تا یک سال از تاریخ آن، زن حق ارث دارد؛ اگر چه طلاق بائن باشد. مشروط بر این که زن شوهر نکرده باشد. (۴۷)

قانون مزبور، درباره نصیب همسر از ارث، مقرر می‌دارد که همسر یا همسران در صورت فوت شوهر و بدون اولاد، ارث آنها یک چهارم و با وجود اولاد یک هشتم ترکه است.

اگر متوفی (شوهر) چند همسر داشته باشد، سهم الارث آنها (که با نبود فرزند یک چهارم و با وجود فرزند یک هشتم است)، به طور مساوی بینشان تقسیم می‌شود. (۴۸)

طبق ماده ۸۲۳ ق.م.ز.ن نیز از حق شفعه ارث می‌برد (صفایی (۹۹)، ش ۲۶۹).

(حق شفعه: به استحقاق تملک سهم فروخته شده شریک شفعه گفته می‌شود.)

«شروط اعمال حق شفعه: \* مال مورد نظر غیر منقول باشد. \* مال غیر منقول قابل تقسیم نیز باشد. \* مال مشاع بین ۲ شریک باشد. \* نقل و انتقال از طریق عقد ببع باشد.»

همچنین طبق قانون مجازات اسلامی زن به میزان سهم الارث از دیه شوهر ارث می‌برد

۲- ارث زن، به عنوان فرزند

اگر دختر، تنها فرزند خانواده باشد، تمامی ترکه به او می‌رسد و اگر همه فرزندان متوفی دختر باشند، اموال به صورت مساوی بینشان تقسیم می‌گردد؛ ولی اگر متفاوت باشند (بعضی پسر و بعضی دختر)، پسر دو برابر دختر، ارث می‌برد؛ قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ» (۴۹)

یعنی: خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می‌کند که (از میراث) برای پسران، دو برابر سهم دختران قائل شوید.

۳- ارث زن، به عنوان مادر

موارد ارث مادر بدین قرار است:

۱- هرگاه متوفی، غیر از مادر، وارثی نداشته باشد، در این صورت تنها وارثش همین مادر خواهد بود؛ یک سوم مال را «بالفرض» و بقیه را «بالرّد» می‌برد.

۲- هرگاه متوفی، فقط مادر و همسری داشته باشد، مادر سه چهارم ترکه را می‌برد؛ یک سوم را بالفرض و باقی را بالرّد.

۳- هرگاه متوفی، فقط مادر و شوهری داشته باشد، مادر نصف ترکه را می‌برد؛ یک سوم را بالفرض و باقی را بالرّد.

۴- هرگاه متوفی، وارثی غیر از مادر و پدر نداشته باشد، مادر یک سوم ترکه را می‌برد. در صورتی که متوفی، حاجبی مانند: دو برادر یا چهار خواهر، یا یک برادر و دو خواهر ابوینی، یا ابی نداشته باشد، گر چه این افراد، خودشان نه با پدر ارث می‌برند و نه با مادر؛ ولی حاجب می‌شوند و نمی‌گذارند مادر بیش از یک ششم ارث ببرد.

۵- هرگاه متوفی، مادر و یک دختر داشته باشد، مادر یک چهارم ترکه را به طور کامل می‌برد.

متوفی به ایشان نزدیک تر باشند، منجر می شوند تا مانع از ارث رسیدن به خویشاوندان دورتر گردند.

البته تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس در خصوص ارث بسیار مشهود می باشد. که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. اما از نظر قانون مدنی ایران، طبق ماده ۹۵۹، ارث بردن از تمامی اموال متوفی، نوعی حق تمتع به شمار می رود. به گونه ای که وراث نمی توانند این حق را از خود سلب نمایند.

#### ۱۹- قوانین تساوی در حقوق

حتی وراث و مورث نمی توانند میزان سهم الارث خود را با توافق قبلی تعیین نمایند. زیرا طبق ماده ۸۳۷ قانون مدنی ایران، در صورتی که شخصی در وصیت نامه خود اقدام به محروم کردن یک یا چند نفر از ارث نماید، وصیت ایشان نافذ تلقی نخواهد شد.

در ماده ۸۳۴ قانون مدنی بیان شده است، که تنها میزان سهمی که مورث می تواند در آن تصرف نماید، یک سوم اموال خود است. وصیت کردن بر مازاد آن تنها در صورتی نافذ است که به اجازه وراث باشد. تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس در مورد ارث نیز، مشهود می باشد.

طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی ایران، تحقق ارث منوط به نسبت و سبب می باشد. از آنجایی که زن و شوهر با یکدیگر نسبت سببی دارند، می توانند از یکدیگر ارث ببرند. البته در ماده ۹۴۰ قانون مدنی قید گردیده است که شرط اصلی برای ارث بردن زن و شوهر از هم، عقد دائم است.

یعنی اگر زن و شوهری با یکدیگر عقد دائم نکرده باشند، نمی توانند از هم ارث ببرند. البته موارد دیگری نیز در این خصوص مطرح است، که باید به آنها اشاره نماییم. مثلا اگر نکاح دائم در صورتی رخ داده باشد که مرد بیمار باشد، و این بیماری منجر به مرگ او شود، در صورت عدم دخول، زن از همسر خود ارث نمی برد. طبق ماده ۹۴۵ قانون مدنی. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد حق ارث زن، می توان به ماده ۹۴۳، ۹۴۴ قانون مدنی نیز اشاره نمود.

#### ۲۰- حقوق انگلیس در خصوص ارث

قانون جدید انگلیس نیز به مسئله ارث میان زوجین پرداخته است. در این قانون، ارث ۲۰ زیر شاخه و قانون اموال ۲۱ زیر شاخه دارد. که در خصوص اموال منقول و غیر منقول متوفی پس از مرگ وی، مقرراتی را تکلیف می کند. تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیسدر حوزه ارث، بسیار مشهود می باشد.

به این صورت که اگر مورث وصیت نامه ای تنظیم نموده باشد، باید طبق قانون انگلیس، میزان ترکه دقیقا مطابق با وصیت نامه متوفی تقسیم شود. برخلاف قانون ایران، در قانون انگلیس موصی حق دارد در تمامی اموال خود دخل و تصرف داشته باشد، یا این که فرد یا افرادی را از ارث محروم کند. مگر در حالتی که اموال مشترک باشند.

در مورد دیگر عدم تنظیم وصیت نامه توسط مورث، اموال متوفی طبق قانون بین وراث تقسیم خواهد شد. پیش از آنکه قانون ارث در سال ۱۹۲۵ میلادی تصویب شود، تمامی اموال متوفی پس از فوت، به پسر بزرگ او می رسید. تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیسدر مورد ارث، به این صورت بود که، طبق قانون انگلیس زن بیوه به هیچ عنوان از اموال غیر منقول شوهر خود ارث نمی برد.

شود. البته قانون اروپا به شهروندان این امکان را می دهد که بین قانون کشور تابعیت خود یا قانون کشور محل اقامت خود یکی را انتخاب کنند ولی در صورت عدم وجود وصیت نامه و نیز فقدان صراحت لازم در مورد آن، اگر متوفی در چندین کشور زندگی کرده باشد، اما دارایی اصلی خود را در یک کشور خاص نگاه داشته باشد، قانون قابل اجرا، قانون همین کشوری خواهد بود که میزان املاک و دارایی های قابل توجه اوست.

این قانون اروپایی که در سال ۲۰۱۵ تصویب شده، در مورد سرنوشت ارث و میراث شهروندان اتحادیه اروپا تصریح می کند که قانون قابل اجرا در مورد ارث، قانون کشور محل اقامت مستمر متوفی است، چه این کشور در اروپا باشد و چه در سایر نقاط جهان.

بر این اساس، اگر یک فرانسوی در ایالت کالیفرنیا آمریکا یا باواریای آلمان زندگی می کند، پس از مرگ او، قانون ایالت آمریکا و آلمان برای تقسیم املاک و دارایی او حتی در مورد آن بخشی که در فرانسه یا کشور ثالثی داشته باشد، اعمال می شود؛ مگر این که خودش در وصیت نامه تاکید کرده باشد که مایل به اعمال قانون ارث فرانسه است.

به نظر می رسد که در نظام های عمده حقوقی و به ویژه

قطب های حقوقی غرب از قبیل حقوق کشورهای فرانسه،

انگلیس، ایالات متحده آمریکا، آلمان و نظایر آن، به دلیل وجود

رژیم حقوقی برابر در ارث زن و مرد و متاثر بودن احوال شخصیه

از مقررات مذهبی در عموم نظام های حقوقی و هماهنگ بودن

قواعد ارث مسیحیت با تحولات دوران معاصر در حقوق زنان

شاهد اختلاف مبتنی بر جنسیت در تقسیم ارثیه نیستیم.

در حقوق اروپایی بنا به اصل هم خونی، هر کس که از نظر خون

به متوفی نزدیک تر باشد، به تنهایی ارث می برد و دیگران را از

ارث محروم می سازد.

این طرز تفکر، در پاره ای از کشورها تا قرون اخیر ادامه داشت؛ به

گونه ای که در قانون مدنی به اصطلاح مترقی کشور فرانسه، در

مناطق ژرمنی برای زن مطلقا حقی قابل نبودند. قانون مدنی

ناپلئون زن را در شمار ورثه قرار داد البته در موردی که هیچ یک

از طبقات وارث نسبی تا دوازدهمین درجه وجود نداشته باشند.

به این ترتیب کمتر موردی اتفاق می افتاد که زن از دارایی شوهر

ارث ببرد. سرانجام آخرین مرحله ترقی زن در این قانون در

سال ۱۸۹۱ میلادی میراث ثابتی برای زن پیش بینی شد که در هر

صورت از میراث شوهر محروم نشود. در کشور انگلستان نیز تا

چندی قبل تمامی ماترک پدر، تنها به پسر ارشد منتقل می شد و

اگر متوفی فرزند ارشد پسر نداشت، ارث منحصر به فرزندان

ذکور بود.

#### ۱۸- ارث در حقوق ایران و انگلیس

در انتها باید به ارث، به عنوان یکی دیگر از موارد تفاوت حقوق زنان در قوانین ایران و انگلیس بپردازیم. ارث در اصل به معنی ترکه و اموالی می باشد که از متوفی بر جای مانده، و به وراث متوفی تعلق دارد. اگر بخواهیم ارث را از نظر تاریخی مورد بررسی قرار دهیم، باید بگوییم این اصطلاح از زمانی که خانواده تشکیل شد گسترش یافت.

طبق قانون ایران، ارث مربوط به احوال شخصیه می باشد و مبتنی بر میزان نزدیکی به متوفی می باشد. به این صورت که هر چه خویشاوندان

اما از اموال منقول او، یک سوم ارث خواهد برد. که بسته به شرایط این میزان می تواند به یک دوم نیز تبدیل شود. البته در حال حاضر در کشور انگلیس، قانون ارث مطابق با قانونی که در سال ۱۹۹۵ تصویب شده است، رسیدگی می شود.

اسکاتلند، ایالات متحده، استرالیا، کانادا نیز قائل به حق آزادی وصیت هستند و فرد مجاز است هر طور که مایل است در مورد اموال و دارایی خود پس از مرگش تصمیم گیری کند و حتی فرزندان خود را از ارث محروم کند. در آن سوی دریای مدیترانه، اسرائیل نیز محروم کردن فرزندان از ارثیه والدین را مجاز کرده است

#### ۱-۲۰- ارث در انگلستان اگر همسر و فرزندان زنده باشند

در صورتی که همسر و فرزندان زنده باشند و فرد متوفی وصیت نامه ای نداشته باشد، میزان سهم هر کدام از این وراثت در قوانین حقوق ارث در انگلیس تعیین شده است و کاملا مشخص است که هر کدام چه مقدار از ارث را دریافت می کنند. در این حالت، ارث بر اساس اصول تقسیم مساوی توزیع می شود.

به طور کلی، در صورتی که همسر و فرزندان فرد متوفی زنده باشند، دارایی ها بین همسر و فرزندان به صورت زیر تقسیم می شود:

— همسر: به همسر زنده فرد متوفی نیمی از کل اموال و دارایی ها به ارث می رسد و او می تواند آزادانه در آنها تصرف کند. در ایران سهم همسر یک هشتم و یک چهارم است.

— فرزندان: فرزندان فرد متوفی حق تصرف در نصف دیگر از دارایی ها را دارند. در صورتی که تعداد فرزندان بیشتر از یک نفر باشد، نصف اموال و دارایی ها بین آنها به صورت مساوی تقسیم می شود. در ایران همیشه پسرها دو برابر دخترها ارث می برند.

#### ۲-۲۰- ارث در انگلستان اگر همسر زنده باشد و فرزندی نباشد

همسر زنده فرد متوفی در انگلیس اموال و دارایی ها را بطور کامل به ارث می برد. این به معنای این است که در صورت عدم وجود وصیت نامه و نبودن ورثه دیگر، همسر حق تصرف در تمام دارایی های فرد متوفی را دارد. به عبارت دیگر، اگر فرد متوفی فقط همسر زنده ای داشته باشد و فرزندی وجود نداشته باشد، تمام دارایی ها به همسر متوفی تعلق خواهد گرفت.

#### ۲۱- نتیجه

با توضیحات فوق روشن شد که اگر تمام قوانین اقتصادی نظام اسلامی در مورد زن و مرد اعم از میراث و نفقه و مهر و... با هم به صورت یک مجموعه در نظر گرفته شود، احساس خواهد شد که نه تنها عادلانه ترین بلکه مهربانانه ترین جهت گیری به زن در قانون اسلام انجام گرفته است. مسئولیت کیفری و ضمانت اجرا مدون نموده است.

#### مراجع

[۱] روزنامه حمایت

۱. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.
۲. ↑ بقره ۲، آیه ۲۳۳.
۳. ↑ طلاق ۶۵، آیه ۶.
۴. ↑ نساء ۴، آیه ۳۴.
۵. ↑ الخصال ج ۱، ص ۲۴۸.
۶. ↑ بحار الانوار ج ۱۰۰، ص ۲۵۴.

۷. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۵.
۸. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۲۰۲.
۹. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.
۱۰. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۹.
۱۱. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.
۱۲. ↑ قانون مدنی، ماده ۱۱۱۳
۱۳. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۳.
۱۴. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.
۱۵. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۵۶.
۱۶. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۰.
۱۷. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.
۱۸. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۷۲.
۱۹. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۲۰۵.
۲۰. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۲۰۴.
۲۱. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۲۰۰.
۲۲. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۱۹۹.
۲۳. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۰۵.
۲۴. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۳.
۲۵. ↑ توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.
۲۶. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۷.
۲۷. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۸.
۲۸. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۷.
۲۹. ↑ توضیح المسائل مسئله ۱۴۱۲.
۳۰. ↑ توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.
۳۱. ↑ توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.
۳۲. ↑ توضیح المسائل ج ۱، ص ۳۳۵.
۳۳. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.
۳۴. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۴.
۳۵. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۱۹.
۳۶. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۲۰.
۳۷. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۲۰.
۳۸. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۲۱.
۳۹. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۲۲.
۴۰. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۲۲۴.
۴۱. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۳۲۲.
۴۲. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۴۳. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۷.
۴۴. ↑ استغناءات ج ۳، ص ۱۹۷-۱۹۸.
۴۵. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۵۴.
۴۶. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۵۴.
۴۷. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۹.
۴۸. ↑ تحریر الوسیله ج ۲، ص ۲۸۹.

[۲] ↑ در ماده ۱۰ قانون شوروی مصوب ۱۹۴۳

[۳] .۲

[۴] ↑ تورات، سفر اعداد، باب ۲۷، آیه ۸

[۵] .۳

[۶] ↑ دکتر یاسین احمد ابراهیم درادکه، المیراث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹ تا ۴۰ و دکتر حسین مهرپور، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلامی، ص ۱۵ تا ۲۲

[۷] .۴

[۸] ↑ نساء (۴) آیه ۷

[۹] .۵

[۱۰] ↑ نساء (۴) آیه ۱۱

[۱۱] .۶

[۱۲] ↑ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲، ص ۱۲۲

[۱۳] .۷

[۱۴] ↑ دکتر یاسین احمد ابراهیم درادکه، المیراث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۳۸

[۱۵] .۸

[۱۶] ↑ ابن قدامه حنبلی، المغنی، ج ۶، ص ۲۲۴

[۱۷] .۹

[۱۸] ↑ جعفر سیحانی، نظام الارث فی الشریعه الاسلامیه الفراء، ص ۸

[۱۹] .۱۰

[۲۰] ↑ محمدعلی صابونی، الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹

[۲۱] .۱۱

[۲۲] ↑ روم (۳۰) آیه ۳۰

[۲۳] .۱۲

[۲۴] ↑ آل عمران (۳) آیه ۱۴

- [۲۵] ۱۳. حسین مهرپور، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلامی، صفحه ۱۵ تا ۲۲
- [۲۶] ↑ حشر (۵۹) آیه ۷
- [۲۷] ۱۴.
- [۲۸] ↑ احزاب (۳۳) آیه ۶
- [۲۹] ۱۵.
- [۳۰] ↑ حسین نوری همدانی، جایگاه بانوان در اسلام، ص ۳۵۰
- [۳۱] ۱۶.
- [۳۲] ↑ محمدعلی صابونی، الموارث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹
- [۳۳] • «احکام ارث»، وب سایت آیتالله سیستانی .
- [۳۴] = Parsi.euronews.comسایت.
- حسین مهرپور، بررسی میراث زوجه در حقوق اسلامی، صفحه ۱۵ تا ۲۲
- حکیم پور، محمد (۱۳۸۳). حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد. نغمه نو اندیش. صص. ۴۹۴ .
- شهرزادی، مهرانگیز (۱۳۸۷). قانون مدنی زرتشتیان. ج. رقی (شومیز) جلد. رستم موبد. فروهر. صص. ۱۳۲ .
- بار تمله، کریستیان (۱۳۳۷). زن در حقوق ساسانی (به آلمانی). انتشارات عطائی.